

ما از عدالت سهمی داریم
سازمان حقوق بشر ایران

سال سوم شماره ۶۹

۲۴ آذر ۱۳۹۶ / ۱۵ دسامبر ۲۰۱۷

حقوق ما

نقد و بررسی تغییرات جدید در
قانون مبارزه با مواد مخدر



ما از عدالت سهمی داریم

دو هفته نامه الکترونیکی تخصصی حقوق بشر

صاحب امتیاز و مدیر مسئول: سازمان حقوق بشر ایران/ محمود امیری مقدم

سر دبیر این شماره: کامبیز غفوری

تحریریه: فیروزه رمضان زاده، میلاد عیسی پور، نقی محمودی

صفحه بندی: ماهور خوش قدم

تماس با مجله: mail@iranhr.net

حقوق ما در ویرایش مطالب آزاد است

یادداشت هایی که از روزنامه نگاران و اشخاص دریافت می شود نظر شخصی آنان است و دیدگاه مجله حقوق ما نیست

مبارزه با مواد مخدر؛ اعدام راه چاره نبود

باید به سمت تخصصی شدن دادگاه ها پیش برویم

اعدام در طول دهه های گذشته دستاوردی نداشته است

اصلاح قانون مبارزه با مواد مخدر؛ موضع مثبت مجلس و
کارشکنی قوه قضائیه در اجرا

الحاق یک ماده به قانون مبارزه با مواد مخدر؛ گامی به پیش

همان لباس قدیمی است که قدری آن را گشاده تر گرفته اند

برخورداری از دادرسی عادلانه؛ شرط بهبود شرایط
متهمان مواد مخدر

مبارزه با مواد مخدر؛ اعدام راه چاره نبود



کامبیز غفوری

اندیشه مبارزه با مصرف مواد مخدر و پدیده اعتیاد، از دهه ۱۳۲۰ خورشیدی در میان برخی سیاستمداران، کنشگران و مصلحان اجتماعی، شیوع جدی‌تر یافت. تلاش‌ها برای محدود کردن دسترسی مردم به مواد مخدر در «قانون منع تهیه و خرید و فروش و مصرف نوشابه‌های الکلی و تریاک و مشتقات آن» تجلی یافت که در سال ۱۳۳۱ به تصویب مجلس شورای ملی رسید. در سال ۱۳۳۴، دولت وقت لایحه «منع کشت خشخاش» را به مجلس ارائه کرد که با تصویب آن، به معتادان شش ماه برای ترک اعتیاد زمان داده می‌شد. قانون منع کشت در عمل چندان تأثیری بر تعداد معتادان نداشت و با افزایش پدیده قاچاق مواد مخدر از کشورهای همسایه، بر معضل افزود. در سال ۱۳۴۷ قانون کشت محدود خشخاش و صدور تریاک به تصویب مجلس رسید. در تمام این سال‌ها سعی می‌شد تا در کنار جلوگیری از ورود معتادان جدید و جوان به چرخه اعتیاد، با تدابیری چون صدور کوپن و سهمیه تریاک برای معتادان، این پدیده دست‌کم کنترل شود.

روحانیون انقلابی اما در سال ۱۳۵۷، دیدگاه متفاوتی به معتادان و مواد مخدر داشتند. آن‌ها معتقد به توطئه‌ای در پس پرده بودند و فروشندگان مواد مخدر را مفسدینی می‌دیدند که باید ریشه‌کن شوند.

آیت‌الله خمینی تنها پنج روز پس از ورود به ایران، نظام شاهنشاهی را مسبب اعتیاد جوان‌ها دانست و در مدرسه علوی به مستمعین گفت: «آن چیزی که مهم است، یکی

نیروی انسانی است که به هدر دادند؛ برای این که آن چیزهای اعتیادی را، از قبیل تریاک و هروئین، اینها منتشر کردند و اینها را کشاندند به آنجاها. مراکز فحشا درست کردند و جوان‌های ما را بردند آنجا... جوان‌های ما را به کلی خراب کردند.»

او حدود یک سال بعد، در پنجم دی‌ماه ۱۳۵۸ شیوع مواد مخدر را «نقشه» و لطمه به «حیثیت اسلام» خواند و گفت: «یک نقشه‌های مختلفی است برای جوان‌های ما. یک بابش همین باب مخدرات است؛ تریاک و هروئین و امثال ذلک... مسئله نجات یک آدم نیست، مسئله نجات اسلام است... این یک باب است که باز چون برگشتش به حیثیت اسلام است، لازم است.»

متعاقب بروز این دیدگاه، مبارزه با مواد مخدر به دست صادق خلخالی افتاد؛ حاکم شرعی که به صدور احکام بی‌رویه اعدام معروف بود. او موجی از اعدام‌های مرتبط با قاچاق مواد مخدر را به راه انداخت. خلخالی حتی در نطق استعفاي خود به این اعدام‌ها اشاره کرد و گفت: «بعد از آن که از من خواستند سرپرستی دادگاه مبارزه با مواد مخدر را به عهده بگیرم، با وجود کار زیاد وارد عمل شدم و از ارومیه گرفته تا مشهد، از زاهدان تا اصفهان و از شیراز تا قوچان را از وجود عناصر سرکرده در امر مبادله مواد مخدر پاک‌سازی کردیم و بعضی را به زندان انداختیم و برخی را مطابق موازین اسلامی اعدام کردیم به طوری که الان شاید برای نمونه کم پیدا کنید کسانی را که حتی معتاد باشند.»



اما آیا سخن خلخالی در زمینه مفید بودن روش سخت‌گیرانه‌اش در صدور احکام شلاق و زندان برای معتادان و اعدام برای فروشندگان، صادق است؟ بیش از سه دهه تجربه، به مسوولان جمهوری اسلامی نیز آموخت که «نه!»

در سال جاری، طرح الحاق یک ماده به قانون مبارزه با مواد مخدر با تلاش کمیسیون حقوقی و قضایی در مجلس به تصویب رسید و توانست تأیید شورای نگهبان را نیز با خود داشته باشد. ناظران با اصلاحات مربوط به بند ت ماده ۴۵ قانون مذکور که از ۲۳ آبان‌ماه برای دادگاه‌های سراسر کشور لازم‌الاجرا شده است، امیدوارند که تعداد اعدام‌های مرتبط با مواد مخدر در ایران کاهش یابد.

این شماره از مجله حقوق ما نظر شش حقوق‌دان را درباره طرح جدید جویا شده است.

حسن نوروزی، نماینده مجلس شورای اسلامی و عضو کمیسیون حقوقی این نهاد قانونگذار که در تنظیم و تصویب طرح مذکور فعال بوده و سابقه قضاوت نیز دارد، ضمن کامل و روشن خواندن این ماده اصلاحی، از گام‌های بعدی نمایندگان برای قضا‌رداری در حوزه مبارزه با مواد مخدر خبر داده است. او هدف مهم آینده را در این راستا، سپردن بسیاری از پرونده‌های جرایم مرتبط با مواد مخدر به «قضات اداری» معرفی می‌کند و معتقد است با این کار به جای احکام شلاق و زندان، محرومیت‌های اجتماعی و جریمه برای متخلفان می‌تواند به کاهش حجم زندانیان کمک کند.

نقی محمودی، حقوق‌دان مقیم آلمان، معتقد است که با وجود

ناشیستگی حکم اعدام، به خصوص برای جرائم مرتبط با مواد مخدر، «اعمال موارد تخفیف و تحدید مجازات اعدام را که در سایه فشارهای متعدد صورت می‌گیرد، باید به فال نیک گرفت و نجات جان هزاران نفر را که در معرض حکم اعدام قرار دارند، گامی به پیش در این زمینه تلقی کرد.»

لیکن از آن‌جا که به گفته عبدالصمد خرمشاهی، وکیل ساکن تهران، «تنها اصلاحیه و تغییری که در این قانون ایجاد شده، در میزان مواد مخدر است»، حقوق‌دانان این میزان را مفید اما کافی نمی‌دانند.

ناصر زرافشان، دیگر وکیل برجسته ایرانی، به حقوق ما گفت که «همه ایرادهایی که به‌طور کلی در دستگاه قضایی و به طور خاص در این قانون وجود داشته، باز هم وجود خواهد داشت زیرا قانون عوض نشده است و فقط کمیت و مقدار مواد مخدر برای صدور حکم تغییر کرده است.» او در مورد اصلاح قانون مربوط به جرائم مواد مخدر گفت: «همان لباس قدیمی است که قدری آن را گشاده‌تر گرفته‌اند.»

تارا سپهری‌فرد، حقوق‌دان و فعال حقوق بشر از موضع مثبت مجلس و کارشکنی قوه قضائیه در اجرای قانون گفته است و مهناز پراکنده نیز از نیاز به صراحت بیشتر در این قانون سخن به میان آورده است.

هر شش حقوق‌دان در یک موضوع اتفاق نظر داشتند: چهار دهه تجربه نشان داد که خشونت و اعدام، چاره معضل مواد مخدر نبوده است.

گفت‌وگوی اختصاصی با یکی از بنیان‌اصلاح قانون مبارزه با مواد مخدر:

«باید به سمت تخصصی‌شدن دادگاه‌ها پیش برویم»



میلاد پورعیسی

حسن نوروزی، سخن‌گوی کمیسیون حقوقی و قضایی مجلس، که از بنیان اصلی تصویب اصلاحیه قانون مبارزه با مواد مخدر بوده است، با قبول برخی کاستی‌های صورت گرفته در روند اجرای این قانون، از اختیار مجلس برای برخورد با قضات متخلف خبر می‌دهد.

این نماینده مجلس دهم در گفت‌وگو با مجله «حقوق ما» ضمن کامل و روشن خواندن این ماده اصلاحی، از گام‌های بعدی نمایندگان برای قضازدایی در حوزه مبارزه با مواد مخدر خبر می‌دهد.

او هدف مهم آینده را در این راستا، سپردن بسیاری از پرونده‌های جرایم مرتبط با مواد مخدر به «قضات اداری» معرفی می‌کند و معتقد است با این کار به جای احکام شلاق و زندان، محرومیت‌های اجتماعی و جریمه برای متخلفان می‌تواند به کاهش حجم زندانیان کمک کند.

با توجه به هدف طرح الحاق یک ماده به قانون مبارزه با مواد مخدر، چقدر اجرای آن را موفق ارزیابی می‌کنید؟ ما به اهدافی که پیش‌بینی کرده بودیم، دست یافتیم. هدف ما این بود که بگوییم باید قاچاقچیان بین‌المللی و مسلح اعدام شوند. کسانی که بر حسب اشتباه، میزان اندکی از مواد مخدر را معامله کرده‌اند نباید اعدام شوند.

اصل تنویر افکار عمومی و قضات که باید به سمت قاچاقچیان حرفه‌ای مسلح رفت، هدف این طرح بود که این کار انجام شد. مرحله دوم این است که پرونده ۱۵ هزار اعدامی که پیش از

تصویب این طرح حکم اعدام برای آنها صادر شده بود، باید برای بررسی مجدد و تجدید نظر به دیوان عالی کشور ارسال شود. در حقیقت این تعداد پرونده برای کسانی است که در انتظار اعدام بودند.

اما کار ما ادامه دارد؛ ما دنبال لایحه جرم‌زدایی هم هستیم که بعد از تصویب کمیسیون حقوقی و قضایی به صحن علنی مجلس ارجاع خواهد شد. در حال برنامه‌ریزی برای این هستیم که خیلی از محکومیت‌ها مانند حبس و شلاق را به سمت محرومیت‌های اجتماعی و اقدامات تعلیمی و تربیتی ببریم.

سپس ما درباره کوچک کردن زندان‌ها و انتقال آنها به بیرون از شهرها نیز اقدام خواهیم کرد. ما حتی در پی آن هستیم که مدیریت زندان‌ها را هم به وزارت دادگستری منتقل کنیم تا مدیریت چابک‌تری برای یک سری مطالعات میدانی و کاربردی هم داشته باشیم.

این طرح یک مبنای شرعی داشت؛ نظر ما این بود که محکوم به اعدام هم باید «محارب فی سبیل الله» باشد و هم «افساد فی الارض» داشته باشد. ما از نظر فقهی «افساد فی الارض» را برای «محاربه با خدا» کافی نمی‌دانیم. این موضع شرعی را که نظر اکثریت فقها است، در این طرح جا انداختیم.

با تأیید شورای نگهبان ما نیز به هدف خود رسیدیم. با این حال، باید شورای عالی قضایی و دادستان کل کشور در مراحل بعدی به ما کمک کنند.

اعتقاد ما این است که باید به سمت تخصصی‌شدن دادگاه‌ها پیش برویم. دادگاه خاص مبارزه با مفاسد اقتصادی، دادگاه



اطفال، دادگاه مبارزه با مواد مخدر، همگی به صورت ویژه و تخصصی تشکیل یابند. کاستن از عناوین مجرمانه و قضا زدایی نیز یکی دیگر از اهداف آینده ما در مجلس است. این کار باعث می‌شود قضات با تعداد کمتری از عناوین مجرمانه، با احکام مشخص و شفاف سر و کار داشته باشند و کار آنها ساده‌تر خواهد شد. افکار عمومی هم متوجه می‌شوند که این قضات اداری با تخلفات در بخش‌های مختلف با شدت و قاطعیت برخورد خواهند کرد.

این وضع را با شرایطی مقایسه کنید که مثلاً یک قاضی در طول سال، برای انواع اتهام‌ها مانند نشر اکاذیب، اقدام علیه امنیت ملی و بسیاری عناوین دیگر حکم صادر می‌کند و تنها مثلاً یک پرونده در مورد مواد مخدر به دست او می‌رسد. او اصلاً نمی‌داند باید چه کار کند. لذا تسلط لازم را ندارد و در ۹۰ درصد مواقع می‌بینید که بسیاری از مسائل از زیر دست او در می‌رود. قضات اداری با داشتن آگاهی خاص در زمینه‌های کاری خود، احکام عادلانه‌تری را صادر خواهند کرد، جلوی خلاف‌ها را بهتر می‌گیرند و خود نیز به سمت خلاف نخواهند رفت.

ضمن این که آن‌ها لزوماً با شلاق و حبس حکم صادر نمی‌کنند؛ بلکه با محکومیت به جریمه و در نظر گرفتن برخی محرومیت‌ها، قضیه را جمع خواهند کرد. آبروی فرد هم در این شرایط حفظ شده و سوءپیشینه نیز در پرونده او ثبت نخواهد شد.

این طرح اصلاح قانون مبارزه با مواد مخدر یک گام اولیه بود و باید قدم‌هایی را هم که عرض کردم دنبال کنیم.

«دستگاه قضایی

می‌تواند برای

رفع هر گونه

ابهام، از مجلس

درخواست

استفساریه کند.»

در نحوه اجرای این ماده در دستگاه قضایی است؟
به خاطر نحوه اجرا است. دستگاه قضایی می‌تواند برای رفع هر گونه ابهام، از مجلس درخواست استفساریه کند. قانون جدید کاملاً مشخص و شفاف است. درباره هر دو نوع محکومان، چه آن‌ها که پرونده‌شان در حال بررسی است، چه آن‌ها که قبل از تصویب این قانون، حکم اعدام دریافت کرده‌اند، این قانون کاملاً روشن است.

مواردی که مرتکب به علت ارتکاب جرایم موضوع این قانون سابقه محکومیت قطعی اعدام یا حبس ابد یا حبس بیش از ۱۵ سال داشته باشد، شامل حکم اعدام شده و در باقی موارد باید بررسی مجدد صورت گیرد و حکم حبس برای آن‌ها صادر شود.

برای برخورد با قضاتی که طبق این قانون عمل نمی‌کنند، شما در مجلس چه خواهید کرد؟

مجلس به همه این افراد اخطار می‌دهد و در مرحله بعد طبق ماده ۲۳۶ آیین نامه داخلی، همه این قضات را به دادگاه ارجاع می‌دهد. بنا بر این ماده از آیین‌نامه داخلی مجلس، نمایندگان می‌توانند از دستگاه‌ها، وزارتخانه‌ها و حتی دستگاه قضایی که به قانون عمل نمی‌کنند، به دادگاه شکایت کنند.

تمام دستگاه‌هایی که طبق قانون مصوب عمل نکنند، با امضای ۱۵ نفر از نمایندگان مجلس به دادگاه‌های صالحه ارجاع داده خواهند شد.

آیا ممکن است قوه قضائیه این حرکت مجلس را به عنوان زیر پا گذاشتن استقلال قوا تفسیر کند؟

استقلال قوا به معنای جزیره‌ای عمل کردن آن‌ها نیست. تمام دستگاه‌ها باید بر اساس قانون عمل کنند و در غیر این صورت موظف به پاسخ‌گویی هستند.

در صورتی قوه قضائیه می‌تواند بحث استقلال قوا را مطرح کند که کسی یا نهادی در کار قاضی دخالت کند. ما چنین کاری را نخواهیم کرد. استقلال این نیست که قاضی بگوید من مصوبه مجلس را قبول ندارم. قصد ما جلوگیری از روندهای غیرقانونی است. کار قاضی باید بر اساس قوانین موضوعه کشور انجام شود. وقتی قاضی به قانون عمل نکرد می‌توان از او به دادگاه انتظامی قضات شکایت کرد.

فکر می‌کنید قوه قضائیه قضات را برای اجرای هر چه بهتر این قانون توجیه کرده است؟

باید این کار انجام شود. اصولاً رویه به این صورت است که هر گاه قانون جدیدی با ماهیت قضایی تصویب شود، قضات در دادرها برای اجرای درست آن‌ها جلساتی برگزار می‌کنند و درباره آن‌ها تصمیم واحد گرفته می‌شود.



چه قدر مجازات‌های جایگزین اعدام را که در نظر گرفته شده‌اند، با جرایم ارتكابی مورد اشاره در این قانون، متناسب می‌دانید؟

متناسب است! زندان دردی را دوا نمی‌کند. باید به این سمت برویم که بسیاری از «تخلفات» را «قضات اداری» پیگیری کنند.

منظور از قضات اداری چیست؟

مثلاً بسیاری از جرایم محیط زیستی را باید قضات اداری سازمان محیط زیست بررسی کنند. قضات اداری منابع طبیعی و جهاد کشاورزی تخلفات حوزه خود را بررسی کنند و همین اتفاق هم باید در حوزه مبارزه با مواد مخدر روی دهد.

غیر از این، یک سری از «جرایم» شناخته‌شده در قوانین نیز باید به دادگاه‌های تخصصی مبارزه با مواد مخدر ارجاع داده شوند و با این کار جلو ورود ۱۵ میلیون پرونده به دستگاه قضایی نیز گرفته می‌شود.

طی این مدت کوتاه اجرای قانون الحاق ماده ۴۵ به قانون مبارزه با مواد مخدر، حکم اعدام برای بخشی از محکومانی که بر اساس تغییرات جدید قانونی باید از آن معاف می‌شدند، اجرا شده است. فکر می‌کنید این روند غیر قانونی به دلیل ابهام در ماده ۴۵ روی داده یا اشکال

خرمشاهی:

«اعدام در طول دهه‌های گذشته دستاوردی

نداشته است»



فیروزه رمضان‌زاده

قانون جدید مجازات جرایم مرتبط با مواد مخدر پس از کش و قوس بسیار بین مجلس و قوه قضائیه و نیز بین مجلس و شورای نگهبان، سرانجام به تصویب نهایی رسید. این قانون، شرایط صدور مجازات اعدام در ارتباط با متهمان به جرائم مواد مخدر را محدودتر از گذشته کرده است. برای بررسی نقاط قوت یا ضعف این قانون، «حقوق ما» با عبدالصمد خرمشاهی، حقوق‌دان ساکن تهران، گفت‌وگو کرده است که در ادامه می‌خوانید:

آقای خرمشاهی! ماده الحاقی به قانون مبارزه با مواد مخدر تا چه حد، قادر به تامین «عدالت کیفری» خواهد بود؟

قبل از این‌که به این اصلاحیه بپردازیم، باید گفت که قانون مبارزه با قاچاق مواد مخدر از زمان تصویب در دوران قبل از انقلاب به مرور تغییر داده شد تا پس از پیروزی انقلاب اسلامی که اولین بار در سال ۱۳۶۷ باز هم اصلاح شد تا بعدها در سال ۱۳۷۶ حذف و اصلاحاتی در آن صورت گرفت.

باید ببینیم که اعمال مجازات‌ها اساساً چه تأثیری در کاهش قاچاق، تولید و نگهداری مواد مخدر داشته است. نگاهی گذرا به وضعیت قاچاق مواد مخدر به صراحت نشان می‌دهد که مجازات‌ها در مورد قاچاق مواد مخدر که به خصوص اوائل انقلاب تشدید شد، هیچ تأثیری در جلوگیری از رشد جرائم مرتبط به مواد مخدر نداشته است.

اساساً قاچاق مواد مخدر یک حرفه سودآور است. مادامی که متقاضی و خریدار وجود دارد، این سوداگری همچنان برقرار است. می‌دانیم که از این راه، بسیاری از فعالان این حوزه به ثروت‌های کلانی رسیده‌اند و رشد این آسیب اجتماعی باعث پیدایش یک سری آسیب‌های اجتماعی ازجمله طلاق، فقر مالی و فقر فرهنگی شد، یعنی اعتیاد خود، باعث تشدید جرایم در ایران شد و به نوعی ریشه همه مفاسد و جرائم را تقریباً در موضوع اعتیاد و مواد مخدر می‌بینیم.

این اصلاحیه جدید از ۲۳ آبان ماه اجرایی شده، اما جالب است که ستاد مبارزه با مواد مخدر، با این قانون مخالفت کرد اما نمایندگانی که در مجلس قبلاً قاضی و درگیر این معضلات بوده‌اند، می‌دانستند که این قانون باید اصلاح شود و در واقع بند ت ماده ۴۵ اصلاح شده است.

براساس بند ت می‌دانیم که قبلاً تا ۵ کیلوگرم قاچاق مواد مخدر سنتی مثل تریاک مجازات اعدام داشت که این میزان به ۵۰ کیلوگرم افزایش پیدا کرده است. در مورد هروئین قبلاً بیش از ۳۰ گرم بود که به ۳ کیلوگرم تغییر پیدا کرده است. در مورد سایر مواد مخدر صنعتی و شیمیایی هم مقداری افزایش پیدا کرد.

این تغییر و تحول تا چه اندازه می‌تواند در کاهش اعدام قاچاقچیان مواد مخدر در ایران تأثیرگذار باشد؟

یک سری مسائل هستند که تا حدودی شدت مجازات را کاهش داده، اما سایر مسائل به قوت خود باقی مانده‌اند. کما

اینکه ماده ۱۱ قانون یادشده اشاره می‌کند که اگر کسی به سلاح گرم یا سرد متوسل شود و در حین درگیری بازداشت شود به مجازات اعدام محکوم می‌شود. یا ماده ۳۵ همین قانون اشاره می‌کند کسانی که کودکان و محجورین را وادار به ارتکاب جرم کنند، یا وادار به تزریق کنند به اعدام محکوم می‌شوند، بنابراین تنها اصلاحیه و تغییری که در این قانون ایجاد شده در میزان مواد مخدر کشف شده است.

آیا کاهش شدت مجازات، با توجه به میزان مواد مخدر کشف شده تاثیرگذار است؟

می‌دانید که در بحث مجازات اعدام در ایران بالاترین رتبه را نسبت به جمعیت دارد و متأسفانه بخش مهمی از این مجازات به قاچاقچیان مواد مخدر برمی‌گردد. کسانی که پیشنهاد دهند اصلاحیه این ماده بوده‌اند، این نیت [را داشته‌اند] که آمار اعدام قاچاقچیان مواد مخدر در ایران کاهش پیدا کند. اما اینکه تا چه اندازه این اصلاحیه می‌تواند در کاهش مجازات اعدام تاثیرگذار باشد، هنوز نمی‌توان به ضرس قاطع، پیش‌بینی و اظهار نظر کرد اما به هر حال برای جلوگیری از مجازات اعدام در پاره‌ای از موارد مفری است آن هم در خصوص میزان مواد کشف شده.

برمی‌گردیم به سوال اصلی، تا چه اندازه تشدید مجازات یا اساساً اعمال مجازات می‌تواند تاثیرگذار باشد؟

همان طور که گفتیم این اصلاحیه هنوز تجربه نشده، شاید تا حدودی بتواند در کوتاه‌مدت نقش داشته باشد. کما اینکه برخی از مسوولان این حوزه، اظهار نظر کرده بودند که این تخفیف، باعث جری‌شدن قاچاقچیان می‌شود و باز هم آمار قاچاق مواد مخدر افزایش پیدا می‌کند، اما به صرف اعمال مجازات، آن هم به حداکثر و اشد مجازات، نباید خوش‌بین باشیم که آمار قاچاق انواع مواد مخدر و نیز تهیه و تولید و توزیع و مصرف آن کاهش پیدا کند.

قاچاق مواد مخدر معضلی است که دولت باید آن را جدی بگیرد و متأسفانه ستاد مبارزه با مواد مخدر، آنچنان‌که باید و شاید، نتوانسته نقش حیاتی خود را در این رابطه ایفا کند. یکی از وظایف ستاد مبارزه با مواد مخدر که به ریاست رییس‌جمهور تشکیل می‌شود و اغلب سازمان‌ها و نهادها در این ستاد نماینده دارند، پیش‌گیری، آموزش، مقابله، عملیات اجرایی و آموزش عمومی در ارتباط با این معضل است. اما یکی از این وظایف که بسیار حائز اهمیت است تبلیغ علیه مواد مخدر است که در سنوات گذشته در این زمینه کمتر فعالیتی دیدیم.

با همه این اوصاف، ولو اینکه این وظایف به نحو احسن انجام



مجازات‌ها در مورد

قاچاق مواد مخدر

که به خصوص

اوائل انقلاب

تشدید شد، هیچ

تاثیری در جلوگیری

از رشد جرائم

مرتبط به مواد مخدر

نداشته است.

شده باشند باز هم مادامی که تقاضا و زمینه برای قاچاق مواد مخدر فراهم است، این تجارت قطعاً سودآور ادامه خواهد داشت، مادامی که شاهد فقر فرهنگی و فقر مالی هستیم، انواع و اقسام آسیب‌های اجتماعی باعث می‌شود که بسیاری از افراد طبقه پایین اجتماع به آسانی به مواد مخدر روی بیاورند تا از این طریق بخواهند مشکلات خود را فراموش کنند یا به قول خودشان از مشکلات فرار کنند.

فرض کنید از لحاظ کمی میزان اعدام تا حدودی کاهش پیدا کرد اما این مهم نیست، مهم این است که اساساً به صورت ریشه‌ای، مساله قاچاق مواد مخدر و اعتیاد در ایران حل شود، مسوولان باید راهکارهایی پیدا کنند که این مشکل به هر شکل ممکن کاهش پیدا کند، گرایش به مصرف روان‌گردان‌ها و انواع مواد مخدر کاهش یابد، آمار اعتیاد بر حسب آماری که ارائه می‌شود در میان جوانان واقعاً تأسف‌آور است. جامعه‌ای که تعداد افراد معتاد آن زیاد باشد قطعاً در همه زمینه‌ها با مشکلات جدی روبه‌روست. نمی‌توان امیدی به توسعه و پیشرفت داشت در عین حال بحث اعتیاد و قاچاق مواد مخدر را جدی نگرفت. ترانزیت و قاچاق مواد مخدر، توزیع و مسیری که برای ارسال مواد مخدر از کشور همسایه به اروپا طی می‌شود، داستانی است قدیمی که همه می‌دانیم. یادم هست در سال‌های نه چندان دور، حتی بحث کشیدن دیوار یا سیم خاردار بین ایران و کشور همسایه افغانستان مطرح بود که در همه این زمینه‌ها توفیقی حاصل نشد و همچنان چرخه ورود و توزیع مواد مخدر از کشور همسایه به ایران و سایر کشورها ادامه دارد. فکر می‌کنم امکانات ستاد مبارزه با مواد مخدر بسیار بیشتر از این باشد و دولت باید با این موضوع، جدی برخورد کند قطعاً اعتیاد و مواد مخدر خسارت‌های هنگفت مالی به همراه دارد و اقتصاد را فلج می‌کند.

از منظر حقوقی و قانونی در اصلاحیه اخیر، تنها یک ماده بند ت اصلاح شده و به نوعی در میزان مواد حمل‌شده و قاچاق‌شده، تخفیف داده شده است. فکر نمی‌کنم در کاهش میزان اعدام تأثیر چندانی داشته باشد. فردی که درگیر قاچاق مواد مخدر می‌شود به اشکال مختلف، تا چند نسل از خانواده وی درگیر این معضل هستند.

نگاه‌ها باید به سوی متولیان این امر باشد، به خصوص دولت و شخص ریاست‌جمهور، چرا که این معضل، بسیار جدی‌تر باید مورد توجه قرار گیرد.

با اجرای صرف مجازات سنگین و اعدام، فکر نمی‌کنم دستاوردی داشته باشد. کما اینکه در طول دهه‌های گذشته دستاوردی نداشته است.

قطعاً به قول بعضی از مسوولان تا زمانی که زمینه‌های مناسب

برای گسترش مواد مخدر از بین نرفته چه بسا تقلیل مجازات باعث گسترش این جرائم شود. می‌دانید که افراد اصلی کمتر به دام می‌افتند، آنچه در عمل شاهد بودیم معمولاً کسانی که آلت دست قرار می‌گیرند، مثل خرده فروش‌ها یا افرادی که به سودای فرار از فقر دست به این کار می‌زدند به زندان می‌روند و زندان رفتن آن‌ها خانواده‌های زیادی را دچار بحران می‌کند.

آیا مجازات‌های جایگزین مجازات اعدام در ماده مورد اشاره، متناسب با جرائم ارتكابی است؟

مسوولان بعد از سال‌ها در نهایت پی برده‌اند که مجازات زندان، نه تنها مشکلی را به صورت ریشه‌ای حل نمی‌کند بلکه خود مزید بر علت می‌شود. هر نوع مجازاتی که در جهت اصلاح مجرم و بهبود وضعیت او اجرا شود، مثل ارائه خدمات، قطعاً تأثیرگذار خواهد بود. حتم داشته باشید صرف مجازات اعدام، به فرض اشد مجازات یعنی اعدام تا زندان‌های بلندمدت، قطعاً تاثیرگذار نخواهد بود.

فکر می‌کنم مجازات‌های جایگزین، اندیشه و راهکار بهتری است. همان طور که گفتیم ضمن اینکه باید به این معضل بسیار جدی نگاه کنیم باید مجازات‌های مناسب‌تر دیگری اعمال شود. بسیاری از موارد استفتائی که در قانون وجود دارد، شاید در مقطعی کارساز باشند اما همیشه این طور نیست، اعدام همیشه نمی‌تواند کارساز باشد. کما اینکه دیدیم در سال‌های گذشته شاید به صورت مقطعی تأثیرگذار بود اما هرگز از پیشرفت این معضل اجتماعی جلوگیری نکرد. بنابراین در کنار اصلاح این قانون یا وضع قوانین مناسب با این بزه، آنچه که لازم است از بین بردن بستر مناسب برای تولید یا گسترش قاچاق مواد مخدر یا از بین بردن ریشه این معضل است که یک عزم ملی را می‌طلبد؛ از جمله همکاری همه نهادها و تقویت امکانات ستاد مبارزه با مواد مخدر.

آیا دخالت کمیسیون حقوقی و قضایی مجلس در تصویب ماده یادشده می‌تواند از تصویب قانونی جامع، مانع و تخصصی خبر دهد؟

بله! قطعاً این کمیسیون می‌تواند نقش موثری داشته باشد، قوانین دائم نیازمند بازبینی، تغییر و اصلاحات هستند، قوانین هیچ‌گاه نمی‌توانند برای همه زمان‌ها وضع شوند، قوانین وضع شده متناسب با مقتضیات زمان و مکان هستند. همین اصلاح بند ت ماده ۴۵ گویای این مطلب است که کمیسیون مذکور به صراحت دریافته که صرف مجازات اعدام، نه تنها نقشی در کاهش جرائم ندارد بلکه آمار مجازات اعدام در ایران را افزایش داده. اصلاح این ماده دقیقاً ناشی از همین طرز تفکر است که



قوانین، نیازمند تغییر و اصلاح هستند و به مرور زمان باید متناسب با اقتضای زمان، اصلاح و به‌روز شوند.

از نظر قانون‌گذاری، آیا ماده قانونی مذکور را ماده‌ای به غایت رسا، جامع، مانع و بدون ابهام ارزیابی می‌کنید؟

کمتر قانونی است که جامع الاطراف بدون نقص و ایراد باشد، قبلاً تصور می‌کردیم که اساساً مجازات اعدام در ارتباط با قاچاق مواد مخدر برچیده خواهد شد که دیدیم که بعضی از آقایان روحانی، حکم شرعی به این موضوع وارد کردند که بحث آن در این مقال نمی‌گنجد اما همین اندازه هم یک گام رو به جلو است همین که می‌آیند و شدت مجازات را براساس میزان کشفیات تغییر داده و مثلاً ۵ کیلو تریاک را به ۵۰ کیلو افزایش داده‌اند تاثیرگذار است.

نمی‌توان به ضرس قاطع پیش‌بینی کرد ولی تا حدودی در کاهش مجازات اعدام تأثیرگذار خواهد بود. قوانین باید براساس مقتضیات زمان و مکان پیشرفت کنند نمی‌توان ادعا کرد قانون وضع شده کم و کاستی ندارد و مانع و جامع است. این اصلاحیه زمان‌بر بود و مدت‌ها بین مجلس و دولت و نهاد ریاست جمهوری رد و بدل شد. هر تغییری در متن ماده واحده قانونی در این زمینه‌ها نیازمند بررسی جامع و کامل دارد.

آیا به نظر شما قضات رسیدگی کننده به اتهامات مرتبط به جرائم مربوط به مواد مخدر قادر به تفسیر ماده مورد اشاره به ضرر متهم یا هر گونه برخورد سلیقه‌ای هستند؟

علی‌رغم اینکه قانون مبارزه با مواد مخدر با اصلاحیه‌های پی در پی تا حدودی روشن است اما گاه، می‌بینیم از لحاظ شکلی، مقداری در محاکم قضایی به مشکل برخورد می‌کند، مخصوصاً قبل از تصویب آیین دادرسی کیفری، بحث این بود که چرا دادنامه‌های صادره از سوی دادگاه‌های انقلاب، قابل تجدیدنظر نیستند؟ چرا دادگاه اجرای احکام باید پی ببرد که این حکم اشتباه بوده و به دادگاه تذکر بدهد و چرا مثلاً براساس ماده ۳۱ سابق، فقط دادستان می‌تواند پی ببرد؟ و چرا نباید مثلاً وکیل متهم بتواند اعتراض کند و درخواست تجدیدنظر کند؟ یک ابهاماتی در این رابطه وجود داشت و گاه به ضرر متهم تمام می‌شد. خوشبختانه با تصویب قانون آیین دادرسی کیفری سال ۹۲ این ابهامات و اشکالات تا حدودی برطرف شدند اما همچنان در پاره‌ای از موارد می‌بینیم که برخی از قضات سخت‌گیری می‌کنند و جلوتر از قانون پیش می‌روند.

در حالی که در برخورد با ابهامات یا مواردی که در قانون مسکوت هستند، باید به نفع متهم، قانون را تصریح کرد با علم به این موضوع که اغلب کسانی که محاکمه می‌شوند خرده‌فروش هستند و معمولاً سردهسته‌ها و دانه درشت‌ها و

تنها اصلاحیه و

تغییری که در این

قانون ایجاد شده،

در میزان مواد

مخدر است.

گردانندگان برخی از باندها تا حدودی دور از معرکه هستند و افراد نیازمند را وارد گود می‌کنند. بنابراین در این زمینه قضات باید مقداری از شدت و حدت سابق بکاهند و حداکثر در چارچوب قانون پیش روند و از تفسیر به رأی خودداری کنند. نمی‌گویم مماشات شود اما باید در نظر داشته باشند که به هر حال، بیشتر این افراد کسانی از طبقه ضعیف و فقیر جامعه هستند و اعمال مجازات شدید در مورد آن‌ها باعث افزایش معضلات خانواده‌های این افراد می‌شود.

اصلاح قانون مبارزه با مواد مخدر؛

موضع مثبت مجلس و کارشکنی قوه قضائیه در اجرا

میلاد پورعیسی

سپهری‌فر با اشاره به تفاوت‌ها میان مصوبه فعلی مجلس در قانون مبارزه با مواد مخدر و طرح قبلی که در همین مورد در مجلس در دست بررسی بود، می‌گوید: «در طرح قبلی که در مجلس خیلی زود کنار گذاشته شد و به مرحله تصویب و ارسال برای شورای نگهبان هم نرسید، به طور کلی اعدام برای «جرائم غیر خشونت آمیز» مرتبط با مواد مخدر غیر از آن‌ها که کودکان را در خرید و فروش مواد به کار می‌گیرند ممنوع اعلام شده بود.»

چرا همه مجرمان مواد مخدر از اعدام معاف نشدند؟
این فعال حقوق بشر همچنین درباره دلایل تغییر طرح اصلاحیه مجلس پیش از ارسال آن به شورای نگهبان معتقد است: «در مورد محدودیت‌هایی که قانون فعلی برای مجرمان معاف از مجازات اعدام در نظر گرفته، باید گفت نمایندگان مجلس ظاهراً برای تایید این ماده واحده در شورای نگهبان ترجیح دادند تا نظر فقهای این نهاد را نیز در نظر بگیرند. برای نمونه قائل شدن حداقل وزنی برای خرید و فروش مواد مخدر صنعتی و سنتی در این قانون به عنوان معیار صدور حکم اعدام با چنین هدفی انجام گرفته است. این یکی از مهم‌ترین عقب‌گردهای قانون جدید است که به نظر می‌رسد از طریق رایزنی‌های غیر رسمی میان نمایندگان مجلس و شورای نگهبان ایجاد شده است.»

«بنا بر آمار مراجع رسمی قوه قضائیه، حدود ۶۰ تا ۸۰ درصد اعدام‌ها در ایران به قاچاق و خرید و فروش مواد مخدر مربوط است. تصویب قانون اصلاحیه مبارزه با مواد مخدر برای کاهش آمار اعدام‌ها در ایران گام مثبتی در جهت اصلاح رویه‌های قضایی به سمت تطبیق هر چه بیشتر با موازین حقوق بشری به حساب می‌آید.»

تارا سپهری‌فر، حقوق‌دان و پژوهش‌گر سازمان دیده‌بان حقوق بشر، با بیان مطلب بالا درباره اصلاحیه جدید قانون مبارزه با مواد مخدر، در مورد شرایط بررسی این طرح در مجلس به «حقوق ما» می‌گوید: «در زمان بررسی طرح اصلاح قانون مواد مخدر حتی از سوی جامعه مدنی نیز حمایت چندانی از آن صورت نگرفت و نمایندگان فراکسیون امید کمتر پشتیبانی علنی از آن کردند. در چنین شرایطی تصویب این طرح از سوی مجلسی که برخی از نمایندگان آن نیز اصول‌گرایان هستند، می‌تواند جای خوشحالی داشته باشد.»

این فعال حقوق بشر با بیان این که «بین ۳۳۰۰ تا ۵۰۰۰ نفر، آمار مجرمانی است که با این طرح می‌توانند از مجازات اعدام رها شوند»، ادامه می‌دهد: «این مصوبه اگرچه به طور کامل با استانداردهای حقوق بشری هماهنگ نیست، اما اذعان مسئولان ایران به سازنده نبودن مجازات اعدام برای این جرایم را اثبات می‌کند.»



سپهری‌فر ادامه می‌دهد: «به همین دلیل هم بود که وقتی این طرح به شورای نگهبان ارائه شد، این نهاد چند ایراد شکلی در مورد برخی واژه‌های به کار رفته را به عنوان تنها اشکالات آن عنوان کرد.»

ابهام در متن قانون یا در اجرای آن؟

به نظر می‌رسد نکته‌ای که در حال حاضر معافیت مشمولان قانون جدید از مجازات اعدام را با مشکل رو به رو کرده، نه ابهام در متن قانون که شیوه اجرای آن از سوی قوه قضاییه است.

پژوهش‌گر سازمان دیدبان حقوق بشر در این مورد معتقد است: «قوه قضائیه در ابتدای ابلاغ این طرح به عنوان قانون لازم‌الاجرا بارها تلاش کرد اجرای آن را به تعویق بیندازد.»

او در مورد مشکلات اجرای اصلاحیه جدید قانون مبارزه با مواد مخدر می‌گوید: «این کارنامه به خوبی نشان‌دهنده موضع مقامات قضائی در این مورد بود و با این اوضاع می‌توان انتظار داشت این قوه تمام مسئولیت خود را برای اجرای هر چه بهتر این قانون، به انجام نرساند.»

این حقوق‌دان درباره اشکالات کار قوه قضائیه در اجرای این قانون، با برشمردن عواملی مانند نبود اطلاع‌رسانی کافی از سوی این قوه به مجرمان مشمول این قانون و رعایت نکردن دادرسی عادلانه، می‌افزاید: «مجرمان مواد مخدر و خانواده‌های آن‌ها معمولاً از اқشار حاشیه‌ای و کم‌سواد جامعه هستند و معلوم نیست قوه قضائیه برای اطلاع‌رسانی به این افراد در مورد تغییرات انجام شده در قانون چه فعالیتی انجام داده است؟ امکان این که بسیاری از افراد مشمول قانون جدید اصولاً اطلاعی از تحولات صورت گرفته نداشته باشند بسیار بالاست و این وظیفه دستگاه قضایی است که به متهمان و خانواده آن‌ها برای درخواست اعاده دادرسی اطلاع رسانی کند.»

او گفت: «این مسئله زمانی مهم‌تر جلوه می‌کند که بنا به گفته دادستانی، ۳۳۰۰ نفر از محکومان به اعدام از این مجازات رهایی خواهند یافت. با این وجود هیچ اطلاعی از این که اولاً این تعداد تمام افراد مستحق معافیت از مجازات اعدام هستند یا نه و دوم چگونگی اطلاع رسانی به آن‌ها در این مورد وجود ندارد.»

این فعال حقوق بشر نبود اطلاع‌رسانی کافی از سوی قوه قضائیه برای مشمولان قانون جدید مبارزه با مواد مخدر را به عنوان یکی از دلایل اعمال سلیقه شخصی از سوی برخی قضات ارزیابی می‌کند و می‌گوید: «با چنین سیاستی عجیب نیست

اگر برخی قضات نیز با حمایت سران قوه قضائیه به اعمال نظر شخصی خود پرداخته و احکام اعدام را برای مجرمان مواد مخدر همچنان صادر کنند.»

این برخوردهای قوه قضائیه در مورد قوانین پیشگیری کننده از مجازات اعدام البته چندان بی‌سابقه نیست.

به گفته تارا سپهری‌فر، «این برخوردها در زمینه اعدام در اصلاح قانون مجازات قصاص برای کودکان نیز به چشم می‌خورد. جایی که در قانون جدید گفته شده بود قضات «می‌توانند» برای علم به تشخیص متهم از «کراهت جرم» مرتکبه، او را به پزشکی قانونی ارجاع دهند که تنها بعضی قضات این کار را می‌کردند.»

این فعال حقوق بشر در کنار کمبود اطلاع رسانی دستگاه قضایی در زمینه تحولات قانونی اخیر و نبود آمار دقیق از مجرمان مستحق معافیت از اعدام، ناعادلانه بودن روند دادرسی به جرایم مواد مخدر را نیز یکی دیگر از اشکالات اجرای قانون جدید می‌داند.

او می‌گوید: «در کنار تمام این مسائل باید شیوه مرسوم دادرسی به جرایم مواد مخدر را هم افزود. حتی اگر اطلاع‌رسانی کافی از سوی دستگاه قضایی در این زمینه برای متهمان هم وجود داشته باشد، باید دید دادرسی‌های مجدد این متهمان چگونه انجام می‌شود. گزارش‌های زیادی از بی‌توجهی بسیاری از قضات به ماهیت پرونده‌ها، کم‌کاری و کلاً در این زمینه، شکنجه متهمان و نگاه‌داری آن‌ها در شرایط ناعادلانه منتشر شده است که دید مسئولان قضائی را نسبت به حقوق شهروندی این دست از متهمان، به‌خوبی نشان می‌دهد. در این شرایط ابهاماتی در زمینه کیفیت اجرای عدالت در مرحله اعاده دادرسی نیز مطرح است که این نیز بر نگرانی‌ها افزوده است.»

آیا تصویب قانون اصلاحی به صورت «طرح» پاسخگوی نیازهاست؟

در کنار این موضوعات، در ساختار حقوقی جمهوری اسلامی تفاوت میان «طرح» و «لایحه» در قوانین مختلف تصویب شده از اهمیت خاصی برخوردار است.

بسیاری بر این اعتقاد هستند که حجم بالای قوانین مورد بررسی در مجلس به صورت «طرح»، فرصت به کارگیری مطلوب نیروهای کارشناسی را از این نهاد می‌گیرد.

در این شرایط، پرسش قابل تأمل این است که آیا بهتر نبود به جای مجلس، قوه قضائیه و دولت که هم قدرت بیشتری دارند و هم از بدنه کارشناسی قوی‌تر برخوردار هستند، به این

موضوع وارد می‌شدند؟

تارا سپهری‌فر با توجه به تمام نقدهایی که در مورد عملکرد قوه قضائیه در این مورد مطرح کرد، نسبت به ورود دستگاه قضایی به اصلاح قوانین اعدام خوشبین نیست.

این حقوق‌دان می‌گوید: «قوه قضائیه و دولت با توجه به انتقادهای فراوان سال‌های اخیر مجامع حقوقی بشری در زمینه آمار بالای اعدام در ایران، این فرصت را داشتند که اصلاحات لازم قانونی را پی‌گیری کنند که این اتفاق روی نداد. البته چند ماه پیش جواد لاریجانی دبیر ستاد حقوق بشر قوه قضائیه از ضرورت چنین اصلاحاتی برای کاهش مجازات اعدام در جمهوری اسلامی صحبت کرده بود ولی اتفاق خاصی نیفتاد.»

این فعال حقوق بشر با اشاره به نبود اراده سیاسی لازم در بدنه دولت برای پیش‌گام شدن در چنین کاری و البته ایستادگی دستگاه قضایی در برابر سیاست‌های کاهش مجازات اعدام، معتقد است: «این وظیفه مجلس به عنوان نهاد قانون‌گذاری است که در نبود اراده لازم در دو قوه دیگر خودش برای چنین اصلاحاتی پیش‌قدم شود.»

تکلیف مجازات‌های جایگزین چیست؟

از سوی دیگر در روند حذف مجازات‌های سنگینی مانند اعدام، بحث در نظر گرفتن «مجازات‌های جایگزین» از اولویت‌های بسیار مهم است. نبود مجازات‌های جایگزین در بسیاری از قوانین اصلاحی، اجرای درست آنها را با چالش رو به رو کرده است.

تارا سپهری‌فر در این مورد به «حقوق ما» می‌گوید: «در بسیاری از جوامع مدرن به این نتیجه رسیدند که مجازات تنها یکی از راه‌های اصلاح مجرمان است و جرم‌زدایی را به عنوان راه حل اصلی در پیش گرفته‌اند. شاید بهتر باشد به جای در نظر گرفتن مجازات‌های جایگزین، به سراغ راهی برویم که جوامع مدرن در چارچوب جرم‌زدایی پی‌گیری کرده‌اند. این موضوع البته نیازمند بررسی بیشتر در زمینه گستره و انواع جرایم مرتبط با مواد مخدر و نیز راه‌های بهتر مبارزه با آن است.

ولی در کشور ما راه طولانی برای رسیدن به چنین نقطه‌ای باقی مانده است. در ضمن این اصلاح قانونی به تنهایی نمی‌تواند به بهتر شدن شرایط در زمینه مجازات اعدام مجرمان مواد مخدر منجر شود. ما به قوانین تکمیلی بیشتری احتیاج داریم تا بتوانند تأثیر عملی اصلاحیه جدید قانون مبارزه با مواد مخدر را بیشتر پدیدار کنند.»

الحاق یک ماده به قانون مبارزه با مواد مخدر؛ گامی به پیش



نقی محمودی

پس از سال‌ها بحث و کش و قوس در خصوص تعدیل و تحدید مجازات‌های مرتبط با جرائم وابسته به مواد مخدر، طرح پیشنهادی نمایندگان مجلس شورای اسلامی در خصوص الحاق یک ماده به قانون مبارزه با مواد مخدر، پس از تأمین نظر شورای نگهبان تصویب و از آبان ماه سال ۱۳۹۶ لازم‌الاجرا شد. بر اساس ماده الحاقی مذکور، مجازات اعدام در مواردی محدود به سقف میزان مواد و مشروط به شرایطی شده است. این قانون، به‌سان سایر قوانین مساعد به حال متهمین و محکومین، قابلیت عطف به ماسبق را داراست و در صورت اجرا، هزاران نفر از مجازات اعدام رها خواهند شد.

سخن‌گوی کمیسیون حقوقی و قضائی مجلس شورای اسلامی در مرداد ماه سال جاری طی مصاحبه‌ای اعلام کرده بود که در صورت تصویب طرح کاهش و محدودیت مجازات اعدام در جرائم مرتبط با مواد مخدر، بیش از ۹۰ درصد محکومین به اعدام در ارتباط با جرائم مرتبط با مواد مخدر که بالغ بر پنج هزار نفر هستند، اعدام نشده و حکم مجازاتشان به ۲۰ تا ۳۰ سال حبس، کاهش خواهد یافت. پیش‌تر سازمان عفو بین‌الملل با اشاره به طرح مذکور، خواستار آن شده بود که مجازات اعدام به صورت مطلق در جرائم مرتبط با مواد مخدر، کیفر زدائی شود.

جمهوری اسلامی ایران سال‌های متمادی در رأس صادر

کنندگان حکم اعدام در جهان قرار گرفته است. ایران بعد از چین (تناسب جمعیتی لحاظ شود) بیشترین آمار اعدام در جهان را دارد و اکثریت قریب به اتفاق این اعدام‌ها در ارتباط با جرائم مرتبط با مواد مخدر است. طبق گزارش اخیر خانم عاصمه جهانگیر (گزارش‌گر ویژه سازمان ملل متحد در مورد ایران) ۴۲۵ نفر در سال ۱۳۹۵ در این ارتباط اعدام شده‌اند.

به اعتقاد من ماده الحاقی به قانون مبارزه با مواد مخدر، از این لحاظ گامی به پیش تلقی می‌شود که سقف و میزان مواد مخدر را برای تحقق مجازات اعدام افزایش داده است. به عنوان مثال وفق مقررات قبل از الحاق ماده مذکور به قانون مبارزه با مواد مخدر، برای حمل، تولید، توزیع، صدور و خرید و فروش مواد مخدری از قبیل هروئین، مرفین، کوکائین و دیگر مشتقات شیمیائی مرفین و کوکائین، به میزان بیش از ۳۰ گرم، مجازات اعدام در نظر گرفته شده بود. در حالی که در ماده الحاقی میزان مواد در مواردی به دو و در مواردی به سه کیلوگرم افزایش یافته است.

همچنین شرط تکرار جرم، ارتکاب جرم مرتبط با مواد مخدر با استفاده از سلاح، نقش سرکردگی یا سوءاستفاده از کودکان از موارد تشدید مجازات و تحقق اعدام ذکر شده است.

طبق ماده ۴۵ (الحاقی) مرتکبان جرائمی که در این قانون دارای مجازات اعدام یا حبس ابد هستند، در صورت احراز یکی از شرایط ذیل در حکم مفسد فی الارض می‌باشند و به

مجازات اعدام و ضبط اموال ناشی از مواد مخدر یا روان‌گردان محکوم و در غیر این صورت حسب مورد «مشمولین به اعدام» به حبس درجه یک تا ۳۰ سال و جزای نقدی درجه یک تا دو برابر حداقل آن و «مشمولین به حبس ابد» به حبس و جزای نقدی درجه دو و در هر دو مورد به ضبط اموال ناشی از جرائم مواد مخدر و روان‌گردان محکوم می‌شوند:

الف - مواردی که مباشر جرم و یا حداقل یکی از شرکا حین ارتکاب جرم سلاح کشیده یا به قصد مقابله با مأموران، سلاح گرم و یا شکاری به همراه داشته باشند.

منظور از سلاح در این بند، سلاح سرد و سلاح و مهمات موضوع قانون مجازات قاچاق اسلحه و مهمات و دارندگان سلاح و مهمات غیرمجاز مصوب ۱۳۹۰/۶/۷ می‌باشد.

ب - در صورتی که مرتکب نقش سردستگی (موضوع ماده ۱۳۰ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲/۲/۱) یا پشتیبان مالی و یا سرمایه‌گذار را داشته، یا از اطفال و نوجوانان کمتر از ۱۸ سال یا مجانین برای ارتکاب جرم استفاده کرده باشد.

پ - مواردی که مرتکب به علت ارتکاب جرائم موضوع این قانون، سابقه محکومیت قطعی اعدام یا حبس ابد یا حبس بیش از ۱۵ سال داشته باشد.

در ارتباط با سیر تاریخی مجازات‌ها همیشه با این واقعیت مهم مواجهیم که تشدید مجازات، باعث کاهش نرخ جرائم نمی‌شود و بایستی در راستای تلاش برای کاهش نرخ جرائم به عوامل دیگری هم متوسل شویم که مهمترین عامل در این خصوص «پیش‌گیری از وقوع جرائم» است. در تبصره اصل ۱۵۶ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، با وجود تأکید بر بحث پیش‌گیری از وقوع جرم، با وجود تشکیل نهادی تحت همین عنوان، نتیجه موثر و ملموسی به چشم نمی‌خورد. در حالی که در صورت توجه جدی به این مقوله و با استفاده از رسانه‌های نوشتاری، شنیداری و دیداری می‌توان از دامنه گسترش استعمال مواد مخدر تا حدود زیادی جلوگیری کرد و طبعاً با کاهش تقاضای مواد مخدر سایر جرائم مرتبط با مواد مخدر نیز به شکل چشم‌گیری کاهش پیدا خواهد کرد.

هر چند اعمال مجازات اعدام به عنوان مجازاتی سنگین و غیر قابل بازگشت، نه‌تنها نباید در ارتباط با هیچ جرمی -خاصه جرائم مرتبط با مواد مخدر- اعمال، شود ولی اعمال موارد تخفیف و تحدید مجازات اعدام را که در سایه فشارهای متعدد صورت می‌گیرد، باید به فال نیک گرفت و نجات جان هزاران نفر را که در معرض حکم اعدام قرار دارند، گامی به پیش در این زمینه تلقی کرد.



زرافشان در مورد اصلاح قانون مربوط به جرائم مواد مخدر:

«همان لباس قدیمی است که قدری آن را

گشاده‌تر گرفته‌اند»

فیروزه رمضان‌زاده

قانون الحاق موادی جدید به قانون مبارزه با مواد مخدر، از ۲۳ آبان ماه ۱۳۹۶ لازم‌الاجرا شده است. این قانون، محکومانی را شامل می‌شود که براساس قانون قبلی به مجازات اعدام یا حبس ابد محکوم می‌شدند.

ناصر زرافشان، حقوق‌دان ساکن تهران، در پاسخ به این پرسش که ماده الحاقی به قانون مبارزه با مواد مخدر تا چه حد قادر به تامین «عدالت کیفری» خواهد بود؟ به مجله «حقوق ما» می‌گوید: «این پرسش، پرسش بسیار کش‌داری است زیرا پاسخ دادن به آن بر می‌گردد به پاسخ دادن به این پرسش که اساساً عدالت کیفری چیست؟ بسیاری از اقداماتی که در یک کشور و در یک نظام قضایی جرم شناخته می‌شوند و ارتکاب آن‌ها مجازات دارد، در کشور یا کشورهای دیگری اصولاً جرم شناخته نمی‌شوند. به این ترتیب، بیشتر قوانین کیفری اعتباری هستند و نه ذاتی. بنابراین به همین دلیل معیار ثابتی برای تعریف عدالت کیفری وجود ندارد. در یک کشور پادشاهی، جمهوری‌خواهانی را که برای الغای سلطنت و تأسیس یک نظام جمهوری فعالیت کنند، اعدام می‌کنند و در یک کشور دیگر، سلطنت‌طلبانی را که بر علیه جمهوری اقدام کرده باشند، مجازات می‌کنند. در همین عرصه مواد مخدر، دست‌کم، فروش و مصرف این مواد در برخی کشورها عملی عادی است و جرم شناخته نمی‌شود. مصرف نوشابه‌های الکلی در کشورهایی عمل مجرمانه محسوب می‌شود و در کشورهای

دیگری آزاد است. رفتار کدام یک از این‌ها منطبق بر عدالت کیفری است؟»

این حقوق‌دان در پاسخ به این پرسش که آیا مجازات‌های جایگزین مجازات اعدام در ماده مورد اشاره متناسب با جرائم ارتكابی است؟ معتقد است: «با توجه به آن‌چه در پاسخ پرسش قبلی گفته شد، میزانی برای تعیین این‌که آیا مجازات اعدام با جرایم ارتكابی مورد بحث متناسب‌تر است یا مجازات‌های جایگزینی که در این متمم آمده، وجود ندارد. مجازات‌های جایگزینی که در این متمم پیش‌بینی شده است را دست‌اندرکاران با توجه به وضعیت خود و برای حل مسائل و مشکلات خود در نظر گرفته‌اند نه به تناسب جرایم ارتكابی. تجربه کور و بدون تحلیل علت‌ها به آن‌ها نشان داده است که نتیجه آن همه اعدام طی این چند دهه، فقط افزایش و گسترش جرایم مربوط به مواد مخدر بوده است. از طرف دیگر تعداد محکومین به اعدام منتظر اجرای حکم زیاد است و تعداد محکومین به حبس هم از این اعدامی‌ها خیلی بیشتر است که جا و امکانات کافی برای نگهداری آن‌ها وجود ندارد. از این رو این متمم دو ویژگی دارد: اول اینکه ماهیتاً برای کاهش فشار حاصل از شرایط موجود تهیه شده است و دوم اینکه نوعی برخورد با معلول‌ها است نه با علت‌ها، دیگر اینکه موقتی است و برای مدتی این فشار را کاهش می‌دهد، اما پس از مدتی باز هم، همین مشکلات رشد خواهند کرد و فشار به حد قبلی خود خواهد رسید.

به اعتقاد ناصر زرافشان، از نظر قانون‌گذاری، این ماده قانونی به غایت رسا، جامع و مانع و بدون ابهام نیست.

این حقوق‌دان در توضیح مطلب، می‌افزاید: «همان‌طور که گفتم، در تدوین این ماده معلول‌ها مورد توجه بوده است و نه علت‌ها. هدف کاستن از فشار و هزینه حاصل از وضع موجود بوده است و نه ریشه‌کن کردن یا برخورد با عواملی که منشا یا موجب رشد اعتیاد در جامعه می‌شوند، زیرا این کار، مستلزم تغییر شرایط اجتماعی، اقتصادی، توجه به موضوع از منظر روانی و روان‌شناختی، و علل ریشه‌ای دیگری است که در سطوحی به مراتب عمیق‌تر از سطح قوانین و مقررات و بگير و ببند قرار دارند و پرداختن به آن‌ها به این سادگی نیست. در حالی که در این ماده شاهد هستیم که حتی برخورد در همین سطح قانونی هم کمی است و نه کیفی، یعنی برای صدور حکم مقدار تولید و توزیع در مورد مشتقات شیمیایی از ۳۰ گرم به ۲ کیلوگرم و برای مواد طبیعی از ۵ کیلوگرم به ۵۰ کیلوگرم افزایش یافته است، بنابراین لباس، همان لباس قدیمی است که فقط قدری آن را گشاده‌تر و راحت‌تر گرفته‌اند.»

آیا قضات رسیدگی‌کننده به اتهامات مرتبط به جرائم مربوط به مواد مخدر قادر به تفسیر ماده مورد اشاره به ضرر متهم یا هر گونه برخورد سلیقه‌ای هستند؟ ناصرزرافشان در پاسخ به این پرسش معتقد است: «همه ایرادات و نقایصی که به طور کلی در دستگاه قضایی و به طور خاص در این قانون وجود داشته باز هم وجود خواهد داشت زیرا قانون عوض نشده است و فقط کمیت و مقدار مواد مخدر برای صدور حکم تغییر کرده است و امکان برخورد سلیقه‌ای و اتخاذ تصمیمات مغایر با نصوص قانونی نیز همیشه وجود دارد و به طور روزمره شاهد آن هستیم، زیرا نظارت جدی و حرفه‌ای وجود ندارد.»

آیا اجرای ماده الحاقی مورد اشاره در کوتاه مدت و درازمدت باعث کاهش یا افزایش جرائم مرتبط به مواد مخدر و نیز کاهش یا افزایش مصرف مواد مخدر خواهد شد؟

حقوقدان ساکن تهران، بنا به دلایلی که پیش‌تر به آن‌ها اشاره کرده است اجرای ماده الحاقی یادشده را به قول معروف جنبه Decompressive می‌داند و توضیح می‌دهد: «یعنی کاستن از فشار را برای یک مدت محدود ایجاد می‌کند، اما چون علل و عوامل اصلی دست نخورده باقی مانده‌اند، پس از مدتی دوباره همین ملک است و همین روزگار. نتیجه همه اقدام‌ها و زندان‌هایی که از زمان آقای خلخالی تا امروز صادر و اجرا شده‌اند، چه بوده است؟ گسترش خارق‌العاده اعتیاد و جرایم مرتبط با آن! پس علت در جای دیگری است و در جای دیگری باید دنبال راه حل آن بود.»



این متمم دو ویژگی دارد:

اول اینکه ماهیتاً برای

کاهش فشار حاصل از

شرایط موجود تهیه شده

است و دوم این‌که نوعی

برخورد با معلول‌ها است نه

با علت‌ها.

بر خور داری از دادرسی عادلانه؛ شرط بهبود شرایط متهمان مواد مخدر

میلاد پورعیسی

مهناز پراکند، وکیل دادگستری، از جمله حقوق دانانی است که معتقدند تغییرات جدید قانون مبارزه با مواد مخدر را باید در ارتباط با دیگر قوانین حاکم، از جمله قانون مجازات اسلامی و قانون آئین دادرسی کیفری، تفسیر کرد. این حقوق دان در گفت‌وگو با «حقوق ما» در پاسخ به پرسشی درباره توان قانون جدید برای تحقق عدالت کیفری می‌گوید: «تا زمانی که متهمان جرایم مواد مخدر از حق دفاع و دادرسی عادلانه برخوردار نباشند، هیچ تضمینی به تأمین عدالت کیفری در مورد آن‌ها نیست. این دسته از متهمان به طور قانونی در موارد زیادی از حق دفاع و دادرسی عادلانه محروم هستند.»

مهناز پراکند به تشریح محرومیت متهمان مواد مخدر از حقوق خود در قانون آئین دادرسی کیفری می‌پردازد و می‌گوید: «تبصره ماده ۴۸ قانون آئین دادرسی کیفری، از مقرراتی است که بسیاری از متهمان با جرایم دارای مجازات قانونی سلب حیات اعم از اعدام، قصاص و یا حبس ابد را از انتخاب وکلای مورد اعتماد خود در مرحله تحقیقات مقدماتی که مهمترین مرحله در تشکیل و تکمیل یک پرونده کیفری است، محروم کرده است.»

این حقوق دان می‌گوید: «این تبصره قانون آئین دادرسی کیفری تصریح می‌کند که در جرایم علیه امنیت داخلی یا خارجی و همچنین جرایم سازمان یافته که مجازات آن‌ها مشمول ماده ۳۰۲ این قانون است، در مرحله تحقیقات مقدماتی طرفین دعوی وکیل یا وکلای خود را از بین وکلای رسمی دادگستری که مورد تأیید رئیس قوه قضائیه باشد، انتخاب می‌نمایند.»

این وکیل دادگستری همچنین به ماده ۳۰۲ قانون آئین دادرسی کیفری اشاره می‌کند. این ماده هم به شیوه‌ای دیگر، متهمان مرتبط با مواد مخدر را از انتخاب وکلای مورد اعتماد محروم می‌کند.

مهناز پراکند در تشریح موضوع این ماده می‌گوید: «جرایم موضوع ماده ۳۰۲ قانون آئین دادرسی کیفری هم جرایم موجب اعدام یا حبس ابد و جرایم سیاسی و مطبوعاتی است که محکوم به قبول وکیل یا وکلای مورد وثوق رئیس قوه قضائیه در مرحله تحقیقات شده‌اند.»

به گفته این وکیل دادگستری همچنین: «طبق ماده ۳۰۳ قانون آئین دادرسی کیفری هم دادگاه صالح به رسیدگی به جرایم مواد مخدر، دادگاه انقلاب شناخته شده است. در حالی که با توجه به اصول متعدد قانون اساسی مرتبط

با ساختار قوه قضائیه، دادگاه‌های انقلاب در این ساختار وجود ندارند. بنابراین تشکیل و ادامه فعالیت این دادگاه‌ها مغایر با قانون اساسی و غیرقانونی است.»

مهناز پراکند پس از ارائه این تحلیل با بیان این که: «عدالت قضائی زمانی قابل تصور است که ساختار قضائی کشور ساختاری مستقل، بی طرف و بدنبال اجرای حق و عدالت باشد، و قوانین نیز تضمین کننده برابری حقوقی افراد و دادرسی عادلانه باشند»، تصریح می‌کند: «با توجه با وجود نواقص و ایرادهای قانونی و تضییقات دفاعی که در خود قانون نسبت به این قبیل متهمان اعمال شده است، نمی‌توان گفت که عدالت کیفری در مورد این افراد اجرا می‌شود.»

سیاست کیفری کارا؛ «تنبیه» در کنار «تنبه»

مهناز پراکند در پاسخ با این پرسش که «آیا مجازات‌های جایگزین مجازات اعدام در ماده مذکور را متناسب با جرایم ارتكابی ارزیابی می‌کنید؟» با بیان این که «سیاست کیفری کارا و مؤثر سیاستی است که بتواند در کنار حمایت از حقوق تک تک افراد جامعه، زمینه‌های ارتكاب جرائم را به حداقل میزان ممکن رسانده و موجبات حفظ نظم عمومی را فراهم سازد»، ادامه می‌دهد: «در این سیاست کیفری تنبیه مجرمان جنبه بازدارنده داشته و با «تنبه» آن‌ها همراه است. درست است که در این ماده بیشتر موارد مجازات اعدام در خصوص جرایم مواد مخدر حذف و مجازات‌های حبس و جزای نقدی جایگزین آن شده و می‌توان این اقدام را قدمی مثبت در جهت اتخاذ سیاست کیفری به نسبت انسانی ارزیابی کرد ولی صرف پیش‌بینی احکام طویل‌المدت برای مرتکبین این جرایم بدون در نظر گرفتن زمینه‌های ارتكاب جرم و بدون داشتن برنامه برای از بین بردن این بسترها نه تنها مفید نیست که زمینه ساز مفسده‌های دیگری مثل از هم پاشیدگی خانواده‌ها نیز می‌شود.»

اصلاحاتی رسا و شفاف یا مبهم

اما از نظر اصول قانون گذاری ماده قانونی مذکور را چقدر



در قانون نویسی،

مواد قانونی باید به

نحوی بیان شوند که

هر خواننده‌ای بتواند

غرض قانون‌گذار را به

روشنی از آن بفهمد

می‌توان ماده‌ای رسا، جامع و مانع و بدون ابهام ارزیابی کرد؟

به گفته مهناز پراکند: «در قانون‌نویسی، مواد قانونی باید به نحوی بیان شوند که هر خواننده‌ای بتواند غرض قانون‌گذار را به روشنی از آن بفهمد.»

این وکیل دادگستری با این مقدمه به تحلیل میزان شفافیت به کار رفته در ماده اصلاحی قانون مبارزه با مواد مخدر، می‌پردازد: «در این ماده نظر قانون‌گذار به روشنی بیان نشده است و من بعد از مطالعه آن دچار شک و تردید در فهم آن شدم. مثلاً در بند الف از این عبارت استفاده شده است: «مواردی که مباشر جرم و یا حداقل یکی از شرکاء، حین ارتکاب جرم سلاح کشیده یا به قصد مقابله با مأموران سلاح گرم و یا شکاری به همراه داشته باشند. (منظور از سلاح در این بند سلاح سرد و سلاح و مهمات موضوع قانون مجازات قاچاق اسلحه و مهمات و دارندگان سلاح و مهمات غیرمجاز مصوب ۱۳۹۰/۶/۷ است).»

پراکند با بیان این پرسش که «از نظر قانون‌گذار در این بند چه کسی در حکم مفسد فی الارض تلقی شده است؟ آیا فقط مباشر جرمی را که سلاح کشیده و یا سلاح به همراه داشته در نظر دارد یا اینکه تنها شریک جرمی در حکم مفسد فی الارض است که سلاح کشیده یا همراه داشته داشته است؟» ادامه می‌دهد: «این بند از ماده ۴۵ طوری تنظیم شده است که انگار منظور قانون‌گذار این است که به صرف کشیدن سلاح یا همراه داشتن آن توسط یکی از مباشرین یا شرکای جرم بقیه نیز در حکم مفسد فی الارض تلقی می‌شوند! اگر چنین باشد که با هیچ منطق عقلی، حقوقی و منطقی نمی‌توان آن را توجیه کرد.»

این حقوق‌دان با این تفسیر، تعریف ماده ۴۵ اصلاحی قانون مبارزه با مواد مخدر را با تعریف قانون مجازات اسلامی از مفسد فی الارض در تضاد می‌داند و می‌گوید: «در ماده ۲۸۶ قانون مجازات اسلامی در تعریف مفسد فی الارض متذکر می‌شود: «هر کس بطور گسترده مرتکب جنایت علیه تمامیت جسمانی افراد، امنیت داخلی یا خارجی یا سبب اشاعه فساد یا فحشا در حد وسیع گردد، مفسد فی الارض است. تبصره این ماده هم بر گسترده بودن اخلا

در نظم عمومی و... تأکید کرده است. این در حالی است که در ماده ۴۵ الحاقی قانون مبارزه با مواد مخدر صرف کشیدن سلاح، در حکم مفسد فی الارض قلمداد شده است؛ اعم از اینکه از آن بهره‌برداری در جهت جنایت علیه تمامیت جسمانی افراد، امنیت داخلی یا خارجی... شده باشد یا نه. این ماده صرف همراه داشتن سلاح را، در صورتی که احراز شود برای مقابله با مأموران بوده - بدون اینکه از آن استفاده شده باشد- در حکم مفسد فی الارض و مستحق اعدام شناخته است. بنابراین در این ماده به طور کل موضوع جنایت و گستردگی ارتکاب در حد وسیع آن مفروض نیست.»

مهناز پراکند در پاسخ به این پرسش که «آیا قضات رسیدگی کننده به جرائم مرتبط با مواد مخدر قادر به تفسیر این ماده به ضرر متهم یا هرگونه برخورد سلیقه ای خواهند بود؟»، می‌گوید: «بدیهی است در یک سیستم قضائی سالم، مستقل، عدالت‌جو و قانون‌گرای مبتنی بر اصول و مبانی دادرسی عادلانه، بنا به حاکمیت اصل برائت در پرونده‌های کیفری، قوانین جزائی در چهارچوب مواد قانونی و به نحو مضیق تفسیر می‌شوند تا دامنه جرم در همان حد تنگ و کوچکش باقی بماند و کمتر کسی مجرم شناخته شود.»

او ادامه می‌دهد: «متأسفانه نه تنها در دادگاه‌های انقلاب اصل برائت کمتر مورد توجه قضات این دادگاه‌ها قرار می‌گیرد، بلکه در مرحله تحقیقات مقدماتی هم که متهمین این‌گونه جرایم از داشتن وکیل مورد اعتماد خود محروم هستند، معمولاً در وضعیت ایزوله و در شرایط غیر انسانی مورد بازجوئی قرار می‌گیرند و بازجویان اداره‌های آگاهی در بازجوئی‌های به زعم خود فنی (شکنجه متهم) بجای ارائه دلیل بر ارتکاب جرم، از متهم می‌خواهند تا بی‌گناهی خود را اثبات کند. حال در یک چنین سیستمی و با وجود ابهامات موجود در این ماده چگونه می‌توان به اطمینان گفت که قضات دادگاه‌های غیرقانونی انقلاب این ماده را با اتکاء به اصل برائت به نفع متهم تفسیر کرده و با آن برخورد سلیقه‌ای نخواهند داشت؟»



دو هفته نامه الکترونیکی تخصصی حقوق بشر
صاحب امتیاز و مدیر مسئول: سازمان حقوق بشر
ایران/ محمود امیری مقدم
سر دبیر این شماره: کامبیز غفوری
تماس با مجله: mail@iranhr.net

